

مَنْ مَوَّلَ الْبَيْنَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءً

(فصل ۴۴)

شفای قرآنی

از دکان اهل سنت

اقتباس از کتابهای ارزشمند

اعمال قرآنی از حکیم الائت مولانا اشرف علی تھانوی رحمۃ اللہ علیہ
کنیزہ اسرار اللہ حافظ الحدیث مولانا انور شاہ کشمیری رحمۃ اللہ علیہ
دعای پر نور از شیخ الاسلام مولانا ابوالحسن علی عثمانی رحمۃ اللہ علیہ
الادکار از امام نووی رحمۃ اللہ علیہ

گردآورنده:

عبدالمنان پناه

سرشناسه: پناه، عبدالمنان، ۱۳۶۶ -
 عنوان و نام پدیدآور: شفای قرآنی گردآورنده عبدالمنان پناه
 مشخصات نشر: تربت جام، مکتبه البشرى،
 مشخصات ظاهرى: ۳۰۴ ص ۱۴۰۱
 شناسه افزوده: اقتباس از كتبهاى افعال قرآنى و گنجينه اسرار و دعاهاى پرنور و الاثكار
 وضعيت فهرست نويسى: فيها
 موضوع: دعاها -- خواص
 موضوع: قرآن -- سورهها و آيهها، خواص
 موضوع: *Prayers, Use of ' Qur'an--*Suras and ayats, Use of
 شابک: 978-622-6396-43-1
 رده بندى کنگره: ۱۳۹۷ ۷ش۹/پ۹/ب۲۶۶
 رده بندى ديوبى: ۲۹۷/۷۷
 شماره کتابشناسى ملی: ۵۳۶۹۳۲۲



www.ketab.ir

نام کتاب: شفای قرآنی

گردآورنده: عبدالمنان پناه @amr.kanah

ناشر: مکتبه البشرى

سال چاپ: بهار ۱۴۰۱

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۹۶-۴۳-۱

----- حق چاپ و نشر محفوظ است -----

مرکز پخش: تربت جام، انتشارات مکتبه البشرى

تلفن تماس: ۵۲۵۲۴۴۷۱ - ۵۲۵۲۵۲۳۸ - ۵۱

۰۹۱۵۳۲۸۲۹۵۵

فهرست مطالب

بخش اول : برکت و قبولیت

۱۷.....	پیش سخن.....
۳۱.....	برای استقامت در ایمان و اعمال خیر.....
۳۲.....	برای اشتغال به اعمال خیر.....
۳۳.....	برای نورانیت قلب.....
۳۳.....	برای نورانیت چهره در فردای قیامت.....
۳۳.....	برای نرمی دل.....
۳۳.....	برای ترقی در علم و دانش.....
۳۵.....	برکت در تجارت.....
۳۷.....	برکت در رزق.....
۴۶.....	زیاد شدن محصولات.....
۴۸.....	برای زیاد شدن آب چشمه، فلات و رود.....
۴۹.....	برای شیرین شدن میوه.....
۴۹.....	برای ازدیاد و برکت میوه.....
۵۰.....	برای زیاد شدن شیر مادر.....
۵۱.....	برای زیاد شدن شیر حیوانات.....
۵۲.....	برای رام نمودن حیوانات.....
۵۲.....	رفع عیب حیوانات.....
۵۳.....	برای برکت کلی.....
۵۳.....	برای مقبولیت نزد مردم.....

- برای رفعت مقام و منزلت..... ۵۵
- برای قبولیت نماز..... ۵۵
- برای قبولیت دعا..... ۵۵
- برآورده شدن حاجات..... ۵۸
- برای بخشش گناهان..... ۷۰
- برای زیارت پیامبر اکرم صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ..... ۷۰
- برای کسب شفاعت ایشان صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ..... ۷۱
- شمه‌ای از معمولات آن حضرت صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ..... ۷۱
- برای ختم به خیر شدن..... ۷۱
- برای دین دار شدن..... ۷۲
- برای استقامت در امور دنیوی..... ۷۲
- بخش دوم: حفاظت و عافیت
- برای حفاظت ایمان..... ۷۳
- برای حفاظت از تفکرات فاسد و وسوسه‌های شیطان..... ۷۳
- برای دفن همزاد شیطان..... ۷۶
- برای حفاظت از جهنّم..... ۷۶
- حفاظت از عذاب قبر..... ۷۷
- دعای گذر بر قبرستان..... ۷۷
- حفاظت از رعد و برق..... ۷۸
- حفاظت از حسد و شرّ حسودان..... ۷۸
- حفاظت از دشمنان..... ۷۸

- ۸۰ حفاظت از همسایه بد
- ۸۰ حفاظت از دزدها و سارقان
- ۸۳ حفاظت در سفر
- ۸۴ حفاظت در کشتی و هواپیما
- ۸۵ حفاظت مال و اولاد
- ۸۵ حفاظت از شرّ حاکم ظالم
- ۸۸ امان از ظلم ظالم
- ۹۲ برای نابودی ظالم
- ۹۳ برای اصلاح و درستی پادشاه
- ۹۳ برای اتحاد بین مخالفان
- ۹۴ برای ختم نزاع و درگیری
- ۹۴ حفاظت از جن
- ۹۷ برای رفع ترس و وحشت
- ۹۸ حفاظت از دشمن
- ۱۰۲ غلبه بر دشمن
- ۱۰۴ دفع نظر بد (چشم زخم)
- ۱۰۷ دفع بلا و مصیبت
- ۱۰۸ حفاظت از جانوران و حشرات موزی
- ۱۱۱ حفاظت از سگ و سایر درندگان
- ۱۱۱ درمان گاز گرفتگی سگ
- ۱۱۲ درمان مار گزیدگی

پیش سخن

الحمد لله الذی جعل القرآن الکریم ربیعاً للقلوب وشفافاً للصّدور و نوراً للعقول و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له و أشهد أن سیّدنا و سندننا و نبینا و مولانا محمّداً عبده ورسوله، خیر من قرأ القرآن و رتله، و عمل به و علّمه، و تدبّر معانیه فذاق حلاوته اللهم صلّ وسلّم و بارک علی سیّدنا و نبینا محمّد و علی آله و صحبه أجمعین و علی من تبعهم بإحسان إلى یوم الدین اما بعد:

بیماری و سلامت همواره یکی از مسائل اساسی زندگی انسانها می باشد اما امروزه آنچه که سهم زیادی از تعاریف مربوط به سلامتی را به خود اختصاص داده، جنبه «سلامت جسمی» است. از دیدگاه مکتب اسلام، جنبه های دیگر سلامت انسان، بخصوص مسائل روحی-روانی از نظر تأثیر گذاری بر سلامت، خیلی مهم تر بوده و خیلی مورد توجه قرار گرفته است. در این خصوص راه رسیدن به سلامت کامل در قرآن از طریق برخورداری از شفای الهی میسر خواهد بود، به همین منظور شناخت «معنای شفا» و «راه برخورداری از آن» برای هر انسان مؤمنی لازم به نظر می رسد.

فلسفه احکام و قوانین اسلامی، تکامل مادی و معنوی جامعه انسانی و نیل به سعادت دنیوی و اخروی است، از نگاه عموم، بزرگ ترین نعمت الهی بعد از ایمان، «سلامت جسم و جان» است. مسئله این است که اگر اسلام تکامل و نیل

به سعادت انسان را هدف خود قرار داده، برای مبارزه با بیماری‌ها و تأمین سلامت جامعه چه برنامه‌ای دارد؟ با کوچکترین نظر در آیات قرآن و احادیث نبوی واضح می‌گردد که اسلام به صورت گذرا و سطحی به سلامت جسم و جان بشر نظر نکرده است بلکه نگاه ویژه‌ای به آن می‌دارد، خداوند جَلَّ جَلَالُهُ در چندین جای از کلام پاک خویش تصریح می‌کند که قرآن و برنامه نورانی و حیات بخش آن، علاوه از اینکه مایه نجات و هدایت مردم در دنیا و عقباست، جامعه را به سوی «سلامت ظاهری و جسمانی» نیز سوق می‌دهد؛ بدین سان انسان می‌تواند با پیوند با خدا و برنامه‌هایی که او برای زندگی بشر ارائه کرده هم به «سلامت» و هم به «فوز نهایی» یعنی فلاح و رستگاری دنیا و آخرت دست یابد.

بیا در پرتو انوار قرآن بیا تا بنگری آثار قرآن
رسی بر آن نشاط جاودانی ملتجی تحتها الانهار قرآن
بیا تا می‌توانی بهره‌بردار ز بحر حکمت ذخائر قرآن

آموزه شفاجویی از قرآن کریم چیزی از پیش خود ساخته یا سنت مرسوم در فرهنگ عامیانه نیست بلکه حقیقتی است که خداوند عَزَّوَجَلَّ در متن قرآن بدان اشاره کرده است. در سه جای از آیات قرآن کریم به مسأله شفا بودن قرآن برای دردهای جسم و جان انسان اشاره شده است: خداوند سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى اِبْتَدَا در سوره «اسراء» ارشاد می‌فرماید: ﴿وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾، «و از قرآن آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان نازل می‌کنیم و ستمگران را جز خسران و زیان نمی‌افزاید» سپس در سوره «یونس»

می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» «ای مردم، از سوی پروردگارتان برای شما پند و اندرز آمده است و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی است برای مومنان» و در نهایت در سوره «فصلت» می فرماید: «قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا بِهِ هُدًى وَشِفَاءٌ» «بگو این کتاب برای کسانی که ایمان آورده‌اند: هدایت و درمان است».

همان طور که در آیات بالا نیک پیداست خداوند تبارک و تعالی قرآن را در کلام پاک خویش «مایه شفا و رحمت برای مؤمنان»، «شفای آنچه در سینه‌هاست» و «مایه هدایت و سعادت برای مؤمنان» معرفی کرده است پس اینک که قرآن را «شفا» و «مایه رحمت و هدایت» معرفی کرده است به این ریسمان آویخته از سوی خدای جل و بالا چنگ زنیم و درمان دردهای نهان و آشکار خود را به وسیله قرآن از خدای قرآن طلب کنیم.

صفابخش دل و جان است قرآن

حدیث عشق و ایمان است قرآن

نه تنها کل، کلستان است قرآن

کلی از کلشن فیض الهی

در دین اسلام در قرآن و احادیث مبارک، دعاهایی برای گشایش در امور مختلف زندگی مورد سفارش قرار گرفته است که مسلمانان می‌توانند با خواندن آن‌ها ضمن کسب آرامش، شاهد «گشایش» در کارهایشان نیز باشند. شفا بخشی قرآن به معنای «نجات بخشی انسان» از هر بیماری که موجب انحطاط و سقوط

مادّی و معنوی است، می‌باشد؛ گذشته از آنکه تمسّک به قرآن و دین باوری به زندگی انسان‌ها معنا می‌دهد و این موجب آرامش‌بخشی بسیاری از حوادث و رویدادها در جهان هستی است، که از این طریق به انسان آرامش روانی نیز دست می‌دهد، همچنین قرآن در بُعد روحی نیز می‌کوشد تا میان انگیزه‌های متنوّع و متعدّد، تعادل ایجاد کرده و انسان را از اضطراب و درگیری‌های روانی رهایی دهد. این ویژگی قرآن که از آن به «شفا بخشی» یاد می‌کنیم تنها منحصر در مسائل روحی نبوده که حتّی جسم انسان نیز با آن می‌تواند از بسیاری بیماری‌ها رهایی یابد که این خود یکی از وجوه «اعجاز قرآن» است. طبق آموزه‌های اسلامی حتّی قرائت قرآن نیز برای درمان بیماری‌های خاص جسمی مؤثر واقع می‌گردد! و همچنین خواندن برخی سوره‌ها، بر همین اساس پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در حدیثی ارشاد می‌فرمایند که سوره «فاتحه» درمان هر درد و بیماری است^(۱) و در جایی دیگر ارشاد می‌فرمایند که بر شماست که شفا را در قرآن و غسل جستجو کنید.^(۲)

کلمه «شفا» بلیغ‌تر و جامع‌تر از کلمه «دوا» است، با این که مفهوم دوا را نیز در بردارد. خداوند سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم از واژه «شفا» استفاده می‌کنند چرا که انسان گاه دوا را به کار می‌برد و به علّت این که علاجی به همراه

۱- سنن دارمی و شعب الایمان للبيهقي و... .

۲- عَلَيْكُمْ بِالشِّفَاتَيْنِ: الْقُرْآنِ وَالْعَسَلِ (المستدرک علی الصحیحین للحاکم و شعب الایمان للبيهقي).

ندارد شفا نمی‌یابد اما زمانی که گفته می‌شود «قرآن شفاست» معنایش این است که مقصود، محقق‌پذیر بوده و «عافیت» به اذن الهی جَلَّوَعَلَا به دست می‌آید. خداوند تَبَارَكَوَتَعَالَى قرآن را دارو معرفی نمی‌کند بلکه او را «شفا» می‌داند و شفا بخشی آن نیز قطعی است، هر کس که عقل، قلب و روح خود را از چشمه‌سار قرآن سیراب کند وقتی که از قرآن به عنوان دعا، رقیه و شفای بیماری‌های روحی و معنوی استفاده می‌کند بیش از همه سزاوار است که از قرآن سود ببرد.

اگر کسی به قرآن روی آورد، آن را بفهمد، بپذیرد و عمل کند به طور قطع بیماری‌های درونی‌اش از بین می‌رود، مگر اینکه شخص مریض به قرآن مراجعه نکند و یا مراجعه‌اش از روی میل نباشد و یا پس از مراجعه به قرآن دستور و نسخه شفا بخش آن را نپذیرد و عمل نکند و یا اینکه عملش نادرست باشد. قرآن همین شفا را برای تبهکاران «مایه حیران» می‌داند ﴿وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ و بر این نکته اذعان دارد که دشمنان حق به جای اینکه از نور آیات الهی، دل و جان خود را روشن سازند و تیرگی‌ها را بزایند، چهل و شقاوت‌شان افزوده می‌شود. این امر به این دلیل است که خیرمایه وجودشان بر اثر کفر، ظلم و نفاق به شکل دیگری درآمده، از این رو هر جا نور حق را می‌بینند، به ستیز با آن برمی‌خیزند و این مقابله و ستیز با حق، بر پلیدی آنها می‌افزاید و روح طغیان و سرکشی را در آنها تقویت می‌کند. یک غذای نیروبخش را اگر به عالم و دانشمند پرتلاش بدهیم، از آن برای «تعلیم و تربیت» نیروی کافی می‌گیرد ولی همین غذا

را اگر به ظالم بیدادگری بدهیم، از نیروی آن برای ظلم و ستم بیشتر استفاده می‌کند، تفاوت در غذا نیست، بلکه در مزاج‌ها و طرز تفکرهاست، از این رو آیات قرآن همچون قطره‌های حیات بخش باران است که به تعبیر شاعر:

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس

بر این اساس برای استفاده از قرآن، باید قبلاً آمادگی پذیرش را پیدا کرد و به اصطلاح، علاوه بر فاعلیت فاعل، قابلیت محلّ نیز شرط است و از اینجا پاسخ این سؤال که چگونه قرآن «که مایه هدایت است» این افراد را هدایت نمی‌کند؟ روشن می‌گردد، زیرا قرآن بدون شک مایه هدایت گمراهان است اما گمراهانی که در «جستجوی حق» هستند و به همین انگیزه به سراغ دعوت قرآن بیایند و اندیشه خود را برای درک حق به کار گیرند اما متعصبان لجوج و دشمنان قسم خورده حق که با حالت صد در صد منفی به سراغ قرآن می‌آیند مسلماً بهره‌ای از آن نخواهند داشت بلکه بر عناد و کفرشان افزوده می‌شود؛ چرا که تکرار عمل خلاف، عمق بیشتری در جان آنها می‌دهد و این لجاجت و سرسختی سبب شدت بیماری آنها می‌شود ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا﴾؛ قرآن که مدّعی شفابخشی است، صبر نمی‌کند تا شخص، بیمار شود آنگاه به مداوایش پردازد بلکه در مقام پیشگیری نیز کوشاست و سعی‌اش بر آن است تا انسان‌ها به امراض فکری و قلبی دچار نشوند. قرآن در مرحله نخست به انسان‌ها نسبت به بیماری هشدار می‌دهد اگر کسی در این مرحله هشدار را جدّی نگرفت و به عمل ممنوع، اقدام نمود، مریض می‌شود. در این مرحله نیز قرآن رهنمود دارد و کیفیت

مداوای مریض و راه درمان را به او نشان می‌دهد تا او را از بیماری برهاند؛ اگر در این مرحله نیز سخن قرآن را نشنید و به آن عمل نکرد، آن وقت دیگر خدا او را به حال خود و می‌نهد و چنین مریض رها شده‌ای به طور طبیعی هر روز بیمارتر می‌شود.

خداوند سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى قرآن را شافی انسان قرار داده است، کتاب خدا بهترین راهنما برای تدوین جامع‌ترین دستورالعمل بهداشتی در تمام زمینه‌ها محسوب می‌شود. خداوند جَلَّ وَعَلَا در قالب آیات متعددی به سلامت فردی و اجتماعی و در عین حال بهداشت جسمی و روحی بشر اشاره کرده است که توجه به آنها می‌تواند بهترین راه درمان و جامع‌ترین دستورالعمل بهداشتی در مقابله با آسیب‌های این چنینی باشد.

قرآن ضعف‌های مربوط به حکمت نظری را با برهان عقلی و امراض مربوط به حکمت عملی را با تهذیب و تصفیه دل بهبود می‌بخشد، همه بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی را درمان می‌کند؛ جهل را با علم، شک را با یقین، غم و اندوه را با آرامش، ترس و هراس را با امید، نگرانی از آینده را با عزم و ثبات و ایمان برطرف می‌سازد. مؤمن در پرتو شفای قرآن به ولایت می‌رسد که خاصیت ولایت، نجات از تمام عوامل سوء است.

حرف قرآن را بدان که ظاهر است	زیر ظاهر باطنی بس باهر است
زیر آن باطن، یکی بطن دیگر	خیره گردد اندر او فکر و نظر
زیر آن باطن یکی بطن سوم	کاکند او گردد خردها جمله گم